

دوره نهم

رمضان - شماره هجدهم



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
روابط عمومی

## تحلیل پیام های قرآنی در ماه مبارک رمضان - بخش چهارم

نصف آن، یا اندکی از آن کم کن یا بر آن بیفزای و قرآن را با تأنی و شمرده بخوان. (۰۰))

### پیام چهارم قرآنی: انس و ارتباط با قرآن

دلیل دوم؛ بر این که نخستین گام و عمومی ترین راه برای انسان با قرآن تلاوت است، برای اینکه ارتباط قطع نشود بلکه عینی تروجدی شود یک ماه دوازده ماه را که ماه رمضان است اختصاص به تلاوت قرآن داده شد از همین رو امام رضا (ع)، فرموده است: ((مَنْ قَرَأَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَانَ كَمَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ؛ هر کس ماه رمضان یک آیه از کتاب خدا را قرائت کند مثل این است که در ماه های دیگر تمام قرآن را بخواند: بحار ج ۹۳، ص ۳۴۱) و همچنین امام باقر (ع) فرمود: ((لِكُلِّ شَيْءٍ رَبِيعٌ وَرَبِيعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ: هر چیزی بهاری دارد و بهار قرآن، ماه رمضان است.:: کافی، ج ۲، ص ۶۳۰))

انس و ارتباط با قرآن یکی دیگر از پیام های مهمی قرآن است که بخشی از آیات قرآن و نیز روایات به آن اختصاص یافته است، برای اینکه این پیام حیات بخش قرآنی بطور همه جانبه مورد تحلیل قرار بگیرد بیان چند نکته لازم است؛

#### ۱- قرائت قرآن گام اول انس با قرآن

و نیز رسول خدا (صلي الله عليه وآله وسلم) فرمود: ((شهر رمضان شهر الله عزوجل، و هو شهر يضاعف الله فيه الحسنات، و يمحو فيه السيئات، و هو شهر البركة، و هو شهر الانابة، و هو شهر التوبة و هو شهر المغفرة، و هو شهر العتق من النار، و الفوز بالجنة. الا فاجتنبوا فيه كل حرام، و اكثروا فيه من تلاوة القرآن، و سلوا فيه حوائجكم، و اشتغلوا فيه بذكر ربكم، و لا يكونن شهر رمضان عندكم كغيره من الشهور، فان له عند الله حرمة و فضلا على سائر الشهور، و لا يكونن شهر رمضان يوم صومكم كيوم فطركم: ماه رمضان ماه خدای عزوجل می باشد، و آن ماهی است که خداوند کارهای نیک را در آن دو چندان کند و بدی ها را در آن محو سازد، ماه برکت، و ماه انابه و بازگشت، و ماه توبه و ماه آمرزش و ماه آزادی از آتش دوزخ، و کامیاب شدن به بهشت است.:: بحار، ج ۹۶، ص ۳۴۰))

به سه دلیل گام نخست ارتباط و انس با قرآن از نظر خود قرآن ((قرائت قرآن)) است. به این معنا هر عارف و سالک و هر فرد متقی اگر بخواهد بداند تاچه میزانی در محضر قرآن حضور دارد و تاچه میزانی وصل به قرآن است و قرآن تا چه اندازه ای درسبک و متن زندگی وی ساری و جاری است بایست آن را با میزان تعداد تلاوت قرآن تست نماید چراکه به دلایل متعدد گام اول در ارتباط انس با قرآن تلاوت قرآن است.

دلیل اول: برای اینکه گام اول بر انس با قرآن تلاوت است ایه (۱ تا ۵) سوره مزمل. است، در این آیات خداوند به رسول خدا امر می کند بخشی از شب را به سحر خیزی و شب زنده داری اختصاص بده ولی این شب زنده داری بادوام معنوی پر نما نخست با تلاوت قرآن و سپس نافله و نماز شب، از همین رو می فرماید: ((يا أَيُّهَا الْمَرْمِلُ «۱» فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا «۲» نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا «۳» أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا «۴»: ای جامه به خود پیچیده. شب را جز اندکی، به پا خیز.

مرتبه ((قرائت و تدبر)) می تواند انجام بگیرد، این سطح از ارتباط و انس با قرآن چند اثر عملی و کاربردی در حوزه فکر و رفتار قاری و تدبر کننده دارد.

اول: پیشگیری از الودگی به گناه

نخستین اثر عملی انس و ارتباط با قرآن برای قاری ((پیشگیری از الودگی به گناه)) است. به این معنا هرچه ارتباط و انس فرد و اجتماع با قرآن بیشتر باشد به همان اندازه در برابر الودگی گناه و انحراف های فکری و اکسینه می شود نورانیتی که قرآن در قلب و فکر شخص پدید می آورد اجازه الودگی را نمی دهد از همین رو در روایات آمده است:

۱- امام صادق (ع): شَكِّي رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَجَعًا فِي صَدْرِهِ فَقَالَ اسْتَشَفَّ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ: (كافی، ج ۲، ص: ۶۰۰) حضرت صادق (علیه السلام) از پدرانش (علیهم السلام) حدیث کند که مردی از درد سینه به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شکایت کرد، حضرت فرمود: «به وسیله قرآن شفا بجوی زیرا خدای عزوجل فرماید:» (و این قرآن) شفاء است برای آنچه در سینه ها است» (سوره یونس آیه ۵۷)).

۲- رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: ((۱) الْقُرْآنُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ تَبْيَانٌ مِنَ الْعَمَى وَ اسْتِقَالَةٌ مِنَ الْعَثْرَةِ وَ نُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ وَ ضِيَاءٌ مِنَ الْأَحْدَاثِ وَ عِصْمَةٌ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ رُشْدٌ مِنَ الْعَوَايَةِ وَ بَيَانٌ مِنَ الْفِتَنِ وَ بِلَاغٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ فِيهِ كَمَالٌ دِينِكُمْ وَ مَا عَدَلَ أَحَدٌ عَنِ الْقُرْآنِ إِلَّا إِلَى النَّارِ)). (کافی، ج ۲، ص: ۶۰۱): قرآن راهنمای گمراهی است و بینائی از هر کوری است، و

دلیل سوم: این است علی (ع) در خطبه متقین وقتی اوصاف پرهیزگاران و متقین را بیان کند یکی ۱۱۰ اوصاف متقین را تلاوت و قرایت قرآن بیان می کند و می فرماید:

((أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا يُحَزِّنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَثِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا وَ تَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَ ظَنُّوا أَنَّهَا نُصِبَ أَعْيُنِهِمْ وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَ ظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَهيقَهَا فِي أَصُولِ آذَانِهِمْ فَهُمْ حَائُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ مُفْتَرِشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَ أَكْفِهِمْ وَ رُكْبِهِمْ وَ أَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَاكٍ رِقَابِهِمْ: پرهیزگاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می خوانند، با قرآن جان خود را محزون و داروی درد خود را می یابند.

وقتی به آیه ای برسند که تشویقی در آن است، با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند، و با جان پر شوق در آن خیره شوند، و گمان می برند که نعمت های بهشت برابر دیدگان شان قرار دارد، و هر گاه به آیه ای می رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می سپارند، و گویا صدای بر هم خوردن شعله های آتش، در گوششان طنین افکن است، پس قامت به شکل رکوع خم کرده، پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده، و از خدا آزادی خود را از آتش جهنم می طلبند))

۲- آثار عملی و کاربردی انس و ارتباط با قرآن

گفته شد ارتباط و انس با قرآن در دو سطح و در دو

خواست بیاید کنار نهر آب، آب بردارد. عشق و محبت آن دختر در قلبش رخنه کرد و چشم از آن دختر برداشت تا وقتی که دختر مشک را پُر از آب کرد و راه خود را گرفت و رفت. به نوکران و بادمجان دور قاب چین هایش دستور داد تا او را تعقیب کرده و بعد به پدر و مادر و دختر خبر دهند که دختر را شب آماده کرده و خانه را خلوت نموده زیرا فضیل راغب آن زیبارو گشته فرستاده فضیل پس از تعقیب در خانه رازد و گفته های فضیل را به آنها ابلاغ نمود. تا این خبر به گوش پدر و مادر دختر رسید بسیار ناراحت و متوحش و لرزان گردیدند چون چاره ای نداشتند یک عده از پیران و ریش سفیدان شهر را دعوت کردند و با آنها مشورت نمودند که چه کنیم؟

آنها گفتند: بیا و دختری را فدای یک شهر کن زیرا اگر فضیل به مقصود خود نرسد همه این شهر را به غارت برده و همه چیز را به آتش می کشد، پدر و مادر از روی ناچاری دختر را مهیا کرده و خانه را خلوت نمودند.

شب هنگام فضیل وارد شهر شد و قلاب و کمند انداخت از بالای دیوار و پشت بام به روی بامهای دیگر رفت همینکه خواست وارد منزل معشوقه خود گردد یک وقت شنید صدائی می آید خوب که گوش داد شنید صدای قرآن می آید و یکی قرآن می خواند توجه خود را به این آیه جلب کرد: ((الم یاءن للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله: آیا وقت آن نرسیده که قلب مؤمنان خاضع و خاشع گردد بذكر خدا (دیگر دست از گناه بردارند و بیاد خدا باشند): این آیه چنان در او اثر کرد که از نیمه راه از دیوار فرود آمد و زندگیش را دگرگون کرد و با کمال اخلاص و صفای دل گفت پروردگارا چرا نزدیک شده و هنگام خشوع رسیده.

سبب گذشت از لغزشها است، و روشنی در هر تاریکی است، و در پیشامدها (و بدعتها) پرتوی است، و نگاهدارنده از هر هلاکتی است و ره جوئی در هر گمراهی است، و بیان کننده هر فتنه و اشتباهی است و انسانی را از دنیای پست به سعادت های آخرت رساند، و در آنست کمال دین شما، و هیچ کس از قرآن رو گردان نشود جز بسوی دوزخ)).

دوم: انقلاب روحی و روانی

دومین اثر عملی تلاوت و تدبر در قرآن برای شخص ((انقلاب روحی)) است به این معنا ممکن است شخص از روی قصور یا تقصیر مرتکب معصیت و گناه شده باشد و این آلودگی قلب و جانش را میرانده و حیات معنوی را از او گرفته باشد اما اگر همین انسان مرده معنوی از طریق تلاوت و تدبر انس و ارتباط با قرآن برقرار کند به صورت شگفت انگیزی در او انقلاب ایجاد کرده و با تحول روحی تبدیل به انسان جدیدی خواهد شد که نمونه و مصداق روشن آن فضیل بن عیاض است چراکه در داستان زندگی وی آمده است:

((در ابتدای جوانی یکی از راهزنان و سارقان و غارتگران و دزدان و بدکاران و هرزه گران و عیاشان مشهور زمان خود بود که هر کس اسم او را می شنید لرزه بر اندامش می افتاد که در آن زمان سلطان و خلیفه وقت خود هارون الرشید از دست او ناراحت بود و ترس داشت.

روزی از روزها سوار بر اسب آمد کنار نهری ایستاد تا اسبش آب بخورد که ناگهان چشمش به دختر بسیار زیبایی افتاد که مشک خود را بدوش گرفته و می

سوم: حق گویی علیه خود

عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. (مائده، آیه ۸) پس کسی که اهل مکارم اخلاقی است به جای این که منافع شخصی را در نظر بگیرد دنبال منافع برتر الهی می رود و رضایت خداوند را می جوید حتی اگر به ضرر خود و حتی به نفع دشمن باشد. این اوج مکارم اخلاقی است که در آیات قرآن و روایات بیان شده است.

به قلم: «مبلغ نخبه حجت الاسلام والمسلمین سید محمدتقی قادری»

منبع: <https://www.balagh.ir>

انسان باید حق طلب و حق گو باشد، البته سخت است که انسان در همه جا حق را مدار و محور قرار دهد؛ زیرا در بسیاری از موارد حق گویی و حق طلبی علیه خود شخص تمام می شود. اما انسانی که در مرتبه مکارم اخلاقی است، خود را نمی بیند چنانکه در مسئله ایثار این گونه است و از خود برای اهداف متعالی چون رضایت الهی در می گذرد. این گونه است که همواره رضایت خدایی را در نظر می گیرد و از خود عبور می کند حتی اگر در دنیا به ضرر و زیانش با شد در مواردی انسان ممکن است دست از حق گویی بردارد از جمله زمانی است که شخص منافع خود را در نظر می گیرد و می بیند که اگر سخنی بگوید علیه خودش تمام می شود. خداوند می فرماید بهتر آن است که این گونه رفتار نکنید، بلکه برای رسیدن به حق مطلق حتی اگر شده حق را بگویید هرچند به نفع شما نباشد و حتی به ضررتان تمام شود و به مال یتیم - جز به نحوی [هر چه نیکوتر] - نزدیک شوید، تا به حد رشد خود برسد. و پیمانانه و ترازو را به عدالت، تمام پیمائید خداوند می فرماید: هیچ کس را جز بقدر توانش تکلیف نمی کنیم و چون [به داوری یا شهادت] سخن گوئید دادگری کنید، هرچند [درباره] خویشاوند [شما] باشد. و به پیمان خدا وفا کنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که پند گیرید. (انعام، آیه ۱۵۲) از دیگر مواردی که انسان از حق گویی دست برمی دارد، زمانی است که با دشمنی درگیر است. خداوند در این باره نیز می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

